

خانواده و جهانی شدن

دکتر غلامعلی افروز

مطالعات نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در خانواده‌ها، که به مثابه فطری‌ترین و مقدس‌ترین نهاد بشری و حلقه‌های اصلی جوامع و سنگرهای پاسداری از فرهنگ و ارزش‌ها است، به لحاظ خلا فکری و روانی افراد جامعه، روندی روبه‌گسترش دارد.

روندی بی‌ثباتی و تزلزل در نظام خانواده‌ها به گونه‌ای است که نظام خانواده را بایک بحران جدی مواجه نموده است. بسیاری از خانواده‌ها به شیوه‌های مختلف دچار آسیب‌پذیری جدی شده‌اند.

افزایش روزافزون آمار طلاق در نقاط مختلف جهان، به ویژه در کشورهای غربی، عوامل بسیاری دارد که مهمترین آنها عبارتند از: بحران‌های ناشی از طلاق، کم‌رنگ شدن ارزش‌های زوجیت‌های شرعی و ازدواج‌های قانونی و ترویج زندگی مشترک زن‌ها و مردها بدون ازدواج رسمی، پیرشدن جمعیت‌ها، ترغیب غیرمنطقی زنان به استقلال‌طلبی و خودمختاری و خودکفایی اقتصادی و زایمان‌های بدون ازدواج و بالاخره شیوع خارق‌العاده افسردگی و اضطراب و اعتیاد به مواد مخدر و فرآورده‌های رسانه‌های الکترونیکی و لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی همه و همه کانون مقدس خانواده‌ها را متزلزل نموده و بحران‌های اجتماعی را به بار آورده است. بی‌جهت نیست که در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ازدواج و کانون خانواده از بیشترین اهمیت و ارزشمندی برخوردار است و مسلمانان به ازدواج شرعی و تشکیل خانواده اهمیت فوق‌العاده‌ای قائلند و همین است که همواره در معرض تهاجم بی‌وقفه فرهنگی امپریالیسم رسانه‌ای و مروجان نظام نوین جهانی قرار دارند.

شورای عالی جمعیت در سال ۲۰۰۵ گزارشی از دگرگونی و آسیب‌دیدگی خانواده‌ها در نقاط مختلف جهان ارائه نموده است.

براساس این گزارش، فراوانی طلاق به طور قابل ملاحظه‌ای روبه‌افزایش است. میزان افزایش طلاق از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۷ در غالب کشورهای غربی بیش از دو برابر شده است. البته این آمار به غیر از جلدایی‌های

فرایند جهانی شدن بسیاری از کشورهای جهان را با چالش‌های قابل توجه روانی و فرهنگی مواجه نموده است. به گونه‌ای که بعضی‌ها می‌توانند وحدت و همبستگی ملی آنان را تهدید نمایند.

براساس مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف (کیدنز ۱۹۹۹ و لیتل ۲۰۰۱) و بررسی تحلیلی وضعیت فرهنگی-اجتماعی جامعه ایران اسلامی در این جا به برخی از چالش‌های موجود در قلمرو فرهنگ و ارزش‌ها که بدون تردید ذهن و اندیشه بسیاری از جوانان را متأثر نموده است اشاره می‌گردد. بدیهی است برای توجه خاص به این چالش‌های فرهنگی و دغدغه‌های فکری و روانی نسل امروز و اتخاذ مؤثرترین شیوه در پرداختن به این مباحث، مشاوره‌های روان‌شناختی و هدایت فکری جامعه از مسوولیت‌های خطیر کارگزاران جامعه اسلامی، به ویژه مسوولان فرهنگی، معلمان بصیر و مبلغان اندیشمند لازم است. تزلزل در نظام خانواده و کم‌رنگ شدن ارزش‌های خانوادگی

به طور کلی گستره فرایند الکترونیک، فراوانی ارتباطات مجازی، وابستگی‌های فزون‌خواهانه کامپیوتری و اینترنتی و فراگیر شدن شبکه‌های ماهواره‌ای در شهر و روستا، اقتدار اولیا و مریدان رادر مقام تربیتی تضعیف نموده و در غالب موارد، دیگر کانون خانواده و محیط مدرسه از استحکام، ارزشمندی، قداست و حرمت فوق‌العاده برخوردار نیست، از همین نگاه، تربیت نسلی سالم، صالح، پویا، خلاق و عاقل و بهره‌مند از اندیشه‌های استوار دینی و برخوردار از بالاترین احساس خود ارزشمندی و غنی‌ترین هویت ملی و فرهنگی برای جامعه اسلامی فرادارسانی بسیار سخت و دشوار است. بسیاری از خانواده‌ها با تأثیرپذیری از برنامه‌های تصویری و شبکه‌های ماهواره‌ای به گونه‌ای که انتظار می‌رود از رضامندی و آرامشگری متقابل برخوردار نبوده و از اقتدار عاطفی و منطقی و همدلی و همراهی لازم در تعامل با فرزندان بهره‌مند نیستند.

جهانی‌سازی در مفهوم اصطلاحی خود، یعنی «غربی‌سازی»، «چالش‌های بزرگی فراروی انسان معاصر نهاده است. پیامد این امر در کشورهای شرقی، بویژه در شرق اسلامی، جامعه را با نوعی هنجارشکنی و بحران‌های متعدد اخلاقی-اجتماعی مواجه ساخته است.

هجوم همه‌جانبه و گسترده تبلیغات رسانه‌های غربی، اکنون بیش از هر چیز کانون خانواده را هدف قرار داده است.

در مقاله حاضر، دکتر افروز با توجه به مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف، به برخی از چالش‌های موجود در قلمرو فرهنگ و ارزش‌ها اشاره کرده، نهاد خانواده را به عنوان سنگ بنا و سلول اصلی اجتماع مورد بررسی قرار داده و سپس به نقد غرب در تحریف معنا و مفهوم «آزادی» و نیز غیرمتمهد نمودن جوانان نسبت به ارزش‌های اخلاقی پرداخته، راههای برون رفت از بحران اخلاقی حاضر را براساس معیارهای اسلامی ارائه کرده است.

غیررسمی (ثبت شده) است که در صد آن فوق العاده بیشتر است.

در بسیاری از کشورهای غربی نظیر آمریکا، اسپانیا و مکزیک بیش از ۵۰ درصد از زنان ازدواج نکرده اند و از سوی دیگر بیش از ۵۰ درصد از کودکانی که در برخی از کشورهای آمریکایی، اروپای شمالی و آفریقای به دنیا می آیند از مادران به اصطلاح مجردی هستند که هرگز شرعاً و رسماً ازدواج نکرده اند! در بسیاری از کشورهای غربی درصد قابل توجهی از اولین زایمان زنان قبل از اولین ازدواج آنان است!! اضطراب و افسردگی دو بیماری بزرگ قرن حاضر دامن گیر درصد قابل توجهی از جوانان و بزرگسالان مغرب زمین گشته، به طوری که بیش از نیمی از تخت های بیمارستان های آمریکا به بیماران روانی اختصاص یافته است.

آری، هجمه های گسترده و فزاینده طراحان نظام نوین جهان، این مهاجمان چراغ به دست فرهنگی، مدتهاست در اندیشه ترویج بی تفاوتی، تضعیف باورهای دینی، سست کردن وابستگی های فرهنگی و تزلزل در ارزش های اخلاقی قشرهای مختلف بویژه کودکان و نوجوانان و تخریب بنیان خانواده ها در کشورهای مختلف است.

خانواده به مثابه نهاد فطری بشر و اصلی ترین رکن جامعه، بیشترین حمایت و پاسداری را می طلبد، خانواده قوی ترین سنگر در برابر هجوم ها و آسیب های فرهنگی است. ایجاد مصونیت فرهنگی در کانون خانواده و تقویت استحکام نظام خانواده اصلی ترین وظیفه کارگزاران بصیر در هر جامعه ای است.

راز و رمز مصونیت فرهنگی خانواده، برخورداری اعضای خانواده از مصونیت عاطفی و امنیت روانی است، چرا که خلأهای عاطفی و ناامنی های روانی مستعدترین بستر آسیب پذیری فرهنگی است.

آسیب پذیری فرهنگی، سرآغاز لجام گسیختگی و به حراج گذاشتن اصول و ارزش های خانوادگی است. سلامت، رشد و تحول و اعتلای هر جامعه ای در گرو وجود خانواده هایی مقید و متعهد و سالم و پویا و بانشاط است. محور اساسی خانواده وجود همسران همراه و همراهان همدل است. از همین رو، پویایی و نشاط و تعالی خانواده نیز در گرو سلامت و تعالی شخصیت و آرامش زوجین است. آرامش وجود همسران نیز در سایه بهره مندی ایشان از برترین جاذبه های شناختی و روانی و جنسی متقابل است.

بدون تردید، تبلور جاذبه های مطلوب و بایسته همسری در زندگی مشترک نیز مستلزم برخورداری زوجین، بویژه زوج های جوان از آگاهی و بصیرت لازم نسبت به ویژگی ها و نیازهای فطری و اساسی یکدیگر و آمادگی و تلاش در حسن ارضای نیازهای عاطفی و روانی و نفسانی متقابل است. متأسفانه ریشه اصلی همسرگریزی و همسرستیزی و جدایی و طلاق روزافزون در بین همسران در گستره جهان بی تفاوتی و دافعه های مستمر روانی و جنسی است و اصلی ترین عامل سازش یافتگی همسران و بهره مندی ایشان از بالاترین احساس آرامش و امنیت خاطر وجود مستمر جاذبه های روانی و جنسی است.

□ جوانان جوامع اسلامی عموماً از هوشمندترین، متعهدترین و پر تلاش ترین جوانان جهان هستند و زمانی که ظرفیت هوشی آنها با آرمانهای خلاقانه و تعهدات دینی عجین می شود می توانند بسیاری از ناگشوده ها را بگشایند و ناگفته ها را بگویند.

زمانی که همسران در کانون پر قدرت خانواده از بالاترین احساس آرامش برخوردار بوده و همواره غنی ترین عواطف و دوستی و محبت را نسبت به هم ارزانی دارند کانون خانواده بسان دژ استوار در برابر تهاجم های فرهنگی مهاجمان فرهنگی بیشترین مصونیت را خواهد داشت.

در فرهنگ و ارزش های اسلامی «خانواده» از رفیع ترین جایگاه برخوردار است و بیشترین توجه به ازدواج میبذول گردیده است.

آنگاه که خانواده در بستر ارزش های اسلامی بنا می گردد و جوانان برای نیل به آرامش و فلاح از دواج می کنند و کانون خانواده را آرامشگاه خود می یابند از آن چنان استواری فکری و صلابت شخصیت برخوردار می گردند که هرگز پیامدهای نه چندان خوشایند فرایند جهانی شدن ایشان را متأثر نخواهد کرد.

ارایه الگوهای برتر خانواده در بستر ارزش های اسلامی، و ترسیم تصویری از زیباترین، پر جاذبه ترین و گیراترین رابطه های بین زن و شوهر به جوانان آزاداندیش در گستره گیتی می تواند مطلوب ترین پاسخ به نیاز همیشه ایشان به آرامش روان و امنیت خاطر باشد.

الگوی مطلوب همسری و بستر آرام خانواده در منظر فرهنگ و ارزش های جهان شمول اسلامی می تواند حیات روانی دوباره ای را به جهانیان ارزانی دارد، طعم آرامش روانی و احساس خوشبختی واقعی را به همه همسران بچشاند و بستر خود شکوفایی انسان را هموار نماید و او را از اسارت مناسبات نابرابر و حاکمیت عوامل اقتصادی و نیز در برابر قدرت های الکترونیکی در فرایند جهانی سازی آزاد نماید.

از همین رو انتظار می رود در جوامع اسلامی، بویژه

ایران اسلامی همه هم و تلاش کارگزاران در درجه اول متوجه پاسداری از حریم پر قدرت خانواده بوده و همه برنامه های آموزشی و پرورشی، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی و پزشکی مبتنی بر ویژگی ها و نیازهای خانواده باشد.

قدر مسلم، هر کشوری که کارگزاران آن بیشترین تلاش را برای حسن تأسیس و تحکیم موازین خانواده و آرامش زوج ها میبذول می دارند، شاهد جامعه ای خواهند بود با کمترین آسیب ها و کزوری های فردی و گروهی.

بایسته و شایسته آن است که در عصر کنونی که بیشتر از هر زمان دیگر کانون مقدس خانواده هدف حملات مهاجمان فرهنگی قرار گرفته است، برنامه های جامع دانش افزایی عمومی و آموزش جوانان و داوطلبان ازدواج و زوج های جوان بیش از پیش مورد توجه کارگزاران نظام اسلامی، بویژه کارگزاران فرهنگی قرار گرفته و در این رهگنر از توانمندی ها و قابلیت های بالفعل و بالقوه همه نهادها و سازمان های ذیربط استفاده گردد.

تحریف معنا و مفهوم «آزادی» و تلاش برای غیرمتمدن کردن جوانان به ارزش های اخلاقی

در این قلمرو مطالعه پیرامون تعریف و تبیین مفهوم و حریم «آزادی» و «لجام گسیختگی های فرهنگی» با توجه به تلاش گسترده مهاجمان فرهنگی برای غیرمتمدن کردن جوانان به ارزش های اخلاقی و تعهدات دینی امری است فوق العاده مهم و ضروری.

متأسفانه استفاده ایزاری و سوگیرانه از معنا و مفهوم «آزادی» توسط مهاجمان غربی بویژه برای تحقیر و تحزیب تعهدات اخلاقی و قیودات شرعی و عقلانی نوجوانان و جوانان مسلمان بویژه در کشورهای اسلامی، مسأله ای است که سابقه نسبتاً طولانی دارد.

بسیاری از مهاجمان فرهنگی با سخنرانی های فراوان و مکتوبات گوناگون در نشریات مختلف و پایگاههای اینترنتی و بهره گیری از جملات و کلمات به ظاهر زیبا و دلنشین و فریبنده واژه بسیار ارزشمند و مبارک «آزادی» را می ستایند، اما بعضاً مصداق آزادی را در بی قیدی رهاشدن و موازین اخلاقی و از تعهدات دینی می جویند.

به سخن دیگر آنان نیک می دانند که معنا و مفهوم «آزادی» متضمن متعهد بودن به نظام اخلاقی، معیارهای ارزشی و اصول منطقی و عقلانی است. همه خردمندان جهان نیک می دانند «آزادی» بدون تعهد و تقید به ارزشهای حاکم بر جامعه و حقوق فردی و اجتماعی خود و دیگران نمی تواند معنا و مفهومی داشته باشند. به سخن دیگر، خردمندان جهان همه باور دارند که واژه زیبای «آزادی»

با «لجام گسیختگی» کاملاً متفاوت است. عبور از حریم آزادی و ناگزیر ورود به صحرای بی انتهای لجام گسیختگی است و لجام گسیختگی هرگز به معنای آزادی نیست، البته در متون مکتوب ادبیات غرب نیز چنین آمده است، آنها شکستن حریم های نامشروع و بی بندوباری را «لجام گسیختگی» می نامند. اما زمانی که برخی با قصد تخریب وارد میدان فرهنگی می شوند دیگر تفاوت و مرزی بین آزادی و لجام گسیختگی در نظر نمی گیرند و هر تعهد عقلانی و تقید اخلاقی و پایبندی دینی و منطقی را محرومیت از آزادی تلقی نموده و همه

لجام گسیختگی های فرهنگی، انحرافات جنسی، رقصی های مستانه، عربده ها و تهمت های وقیحانه، جسارت و اهانت به ارزشهای دینی و قداست پیامبران الهی «صلوات الله علیهم» را با عینک آزادی می بینند! آری تعریف و تبیین معنا و مفهوم آزادی و تمیز آن با لجام گسیختگی فرهنگی امری است بسیار مهم و ضروری. باید نوجوانان و جوانان، همه اولیا و مریدان، باور و زبان مشترک و به حقی در بستر ارزشهای الهی و منطق دینی نسبت به مفاهیم آزادی و لجام گسیختگی فرهنگی داشته باشند و این مهم از وظایف و رسالت های خطیر کارگزاران فرهنگی و طراحان برنامه های صوتی و تصویری، آموزشی و درسی تولیدکنندگان منابع و متون درسی در جوامع اسلامی است.

بدون تردید واژه «آزادی» برای همه انسانهای عاقل و فهیم واژه ای پرقداست و ستودنی است. در اندیشه اسلامی، تجربه آزادی انسان را به کمال شخصیت، مقام عبودیت، توحید و یکتایی و اخلاص می رساند. «احساس آزادی» و «اندیشه آزادگی» برترین فضیلت های اخلاقی، وارستگی و شکوفایی و آرامش روانی را به ارمان می آورد.

اگر کلمه متضاد سفیدی، سیاهی است به یقین واژه متضاد آزادی، اسارت بردگی است.

در این نگاه اگر «خاکستری ها» سیاه به چشم نیابند، هرگز در میان سپیدی ها جای نمی گیرند و در آینه سفیدی معنا نمی گردند.

لذا «لجام گسیختگی نفسانی» و «فزون خواهی های شهوانی» نارواگویی های جاهلانه و خبیثانه «قلم فرسایی های مغرضانه و جاه طلبانه» «کژروی های مستانه» اگر به چشم های ظاهربین و ذهن های ساده اندیش «اسارت نفسانی» و «بردگی روانی» تلقی نگردد، به یقین از منظر خردمندان وارسته هرگز نمی تواند معنایی از «آزادی» داشته باشد. به سخن دیگر هر آنچه که به دور از حریم ارزش ها، بر خلاف

اصول منطقی و عقلانیت خواسته و ناخواسته، مستقیم و غیرمستقیم، امروز و فردا، نشانی از خودآزاری و دیگرآزاری و حکایتی از خودمداری ها و فزون خواهی ها به همراه داشته باشد نمی تواند تفسیری از آزادی و آزادگی باشد. آری در بستری از اندیشه های خردمندانه واژه پرقداست «آزادی» در همه گستره هستی یک معنا بیشتر نمی تواند داشته باشد. به عبارت دیگر «آزادی» دیگر شرقی و غربی، اسلامی و غیراسلامی ندارد، آزادی به معنایی که بدان اشاره شد، همه جا «آزادی» است و «لجام گسیختگی فرهنگی» «رهاشدگی نفسانی» حریم شکنی غیرعقلانی در منظر همه اهل معرفت، صاحبان بصیرت و اصحاب خرد در گستره گیتی، رفتاری نامعقول و ناصواب و آفت رشد و

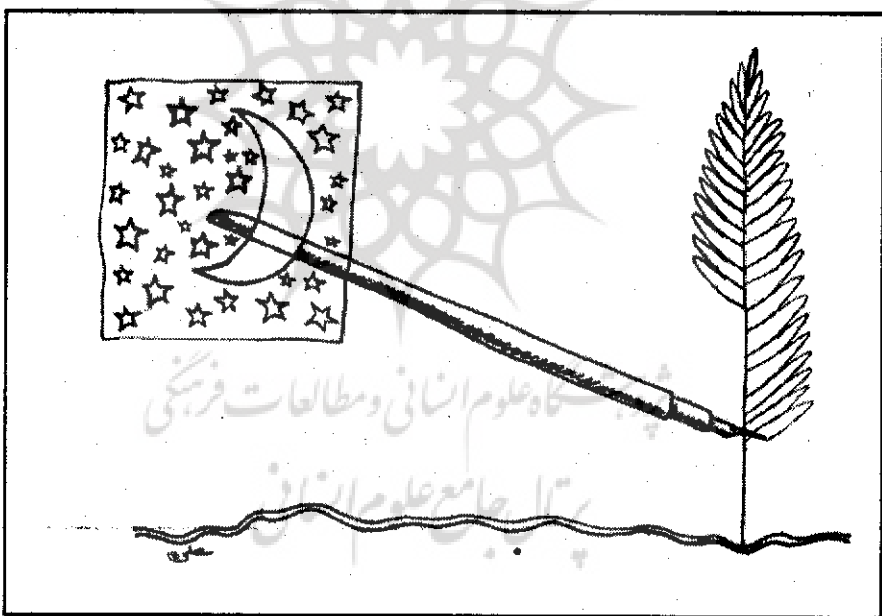
□ خردمندان جهان همه باور دارند که واژه زیبای «آزادی» با «لجام گسیختگی» کاملاً متفاوت است. عبور از حریم آزادی و ناگزیر ورود به صحرای بی انتهای لجام گسیختگی هرگز به معنای آزادی نیست.

خودارزشمندی، ترویج خودباختگی فرهنگی و ترغیب بی تفاوتی به ارزشهای دینی و فرهنگی ملی توسط رسانه های ماهواره ای و شبکه های اینترنتی مغرب زمین بین جوانان است. همه تلاش بر آن است که در فرایند جهانی شدن و زدودن ارزش های فرهنگی، کمرنگ شدن دلبستگی و هویت خانوادگی، هویت و احساس خودارزشمندی ملی و دینی جوانان دچار بحران گردیده و بی اشتیایی روانی برپیکره شخصیت ایشان حاکم گردد.

بدون شک بحران هویت و تزلزل در نظام ارزشی و سستی در تعلقات اجتماعی و دلبستگی های خانوادگی، ثمره ای جز ناامنی و دغدغه درونی، نگرش های نامعقول و رفتارهای نامتعادل و تهاجمی در پی نخواهد داشت. لذا تحقیر مستقیم و غیرمستقیم نوجوانان و جوانان هوشمند و توانای کشورمان در خانه و مدرسه و اجتماع احساس کم مقداری را در ایشان تقویت نموده و زمینه تضعیف احساس خودارزشمندی، ناامنی روانی و بالطبع، آسیب پذیری روانی و اجتماعی را بیشتر فراهم خواهد نمود.

با کمال تأسف باید اذعان داشت که بعضاً این معنا توسط برخی عناصر خودی در موقعیت های مختلف مطرح می گردد. بعضی از دلباختگان به

فرهنگ غرب همه چیز را در آینه غرب می بینند و همه دستاوردهای غرب را اولی می دانند. گاه ساده ترین سخنان و یافته های علمی غریبان را که چه بسا از آن پیشتر توسط محققان مسلمان ارائه گردیده است، از طریق رسانه های ملی اعلام می دارند و برخی نیز در کلاس های درس فقط به آن استناد می جویند. همه سخن این است که جوانان جوامع اسلامی عموماً از هوشمندترین، متعهدترین و پرتلاش ترین جوانان جهان هستند و زمانی که ظرفیت هوشی ایشان با آرمانهای اخلاقانه و تعهدات دینی



تعالی مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی محسوب می گردد. بنابراین، شایسته و بایسته آن است که در قلمرو زندگی اجتماعی و با اذعان به فلسفه هدفمند و پرمعنای خلقت و بر اساس بعثت انبیا الهی و اصول آموزه های کتب آسمانی و تعالیم جهان شمول اسلامی و ضرورت رشد و تعالی شخصیت معناگرای انسانها در مراحل مختلف حیات فردی و اجتماعی و لازمه تمرین و تجربه عدالت اجتماعی و زندگی خردمندانه و عاقلانه نگاه هدفمند و بخردانه ای به معنا و مفهوم واقعی آزادی داشته باشیم.

تضعیف احساس خودارزشمندی و ترویج خودباختگی فرهنگی در نوجوانان و جوانان مسلمان یکی دیگر از چالشهای فرهنگی که غالباً کشورهای در حال توسعه با آن مواجهند مسأله تضعیف احساس

عجین می شود می توانند بسیاری از ناگشوده ها را بگشایند و ناگفته ها را بگویند. همین است که در صدر لیست اندیشمندان خلاق جهان نام جوانان و محققان برتر ایرانی به چشم می خورد و خلاقیت آمیزه ای است از هوش و برترین صفات شخصیتی.

بنابراین، تدوین برنامه های جامع فرهنگی و آموزشی با هدف تقویت احساس خود ارزشمندی، تعهدات دینی، عزت نفس، هویت ملی و فرهنگی جوانان جوامع اسلامی از رسالت های خطیر کارگزاران و حاکمان دولت های اسلامی، نویسندگان و مؤلفان منابع آموزشی و تربیتی و تولیدکنندگان برنامه های فرهنگی و مجموعه های صوتی و تصویری است. این معنا شایسته است از همان دوران کودکی و به ویژه در مقطع ابتدایی

و پس از آن مورد توجه معلمان بصیری قرار گیرد که شخصیت ایشان آمیزه‌ای است از هوشمندی و محبت و عظوفت و منطق و استواری.

شایسته است با تدوین برنامه جامع فرهنگی و آموزشی، تأیید، تکریم، تشویق، ترغیب و پرورش احساس مذهبی، و تقویت اعتماد به نفس و افزایش احساس خودارزشمندی، جرأت و رزی و انگیزه تلاش، بستر خلاقیت و نوآوری را در بین جوانان و نوجوانان فراهم نماییم.

بایسته آن است که در فرآیند جهانی شدن و شتاب فزاینده علوم و فنون نوین بانگهای دوباره به برنامه‌های آموزشی و در مدارس و دانشگاهها، نوجوانان و جوانان هوشمند ایران اسلامی را بیش از پیش با قدرت علم و دانش پژوهی مأیوس نموده و ایشان را در به دست گرفتن سرنخ علوم و فنون برتر حمایت و هدایت نماییم.

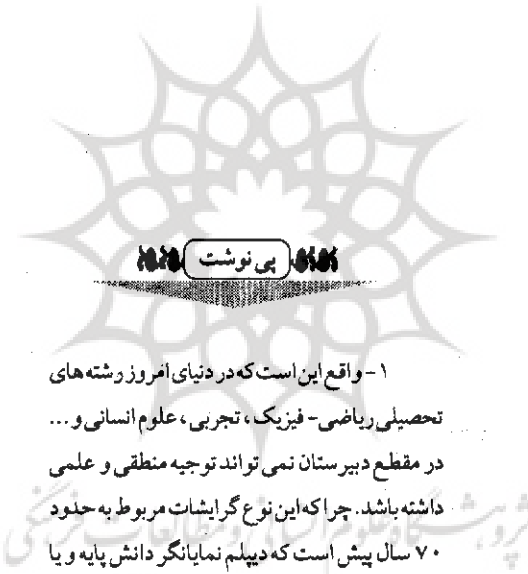
در این رهگذر لازم است با پرهیز از تعصبات ناروا، سخت گیری‌های بیهوده، تحمیل رشته‌های تحصیلی قدیمی و غیر معقول دبیرستانی (۱)، تعمیم کنکورگری‌های به اصطلاح سراسری (۲)، به ظرفیت‌های هوشی و قابلیت‌های فکری و خلاقیت‌های ذهنی جوانان بیشترین بهاداده و شخصیت ایشان را در دوره‌های مختلف رشد به روش‌های مختلف مورد تکریم قرار دهیم.

خلاصه کلام، شایسته و بایسته آن است که با تحکیم نظام خانواده و تقویت ارتباطات درون خانوادگی و مناسبات مطلوب اجتماعی، مثبت اندیشی و مطلوب اندیشی و امیدبخشی، و افزایش احساس خودارزشمندی و تعهدات دینی و هویت ملی و فرهنگی در بین اقشار مختلف جامعه بالاخص نوجوانان و جوانان مطلوبترین بستر شکوفایی استعدادها، امنیت و بهداشت روانی، نشاط و پویایی آنان را فراهم نماییم.

آری، امروزه بیش از هر زمان دیگر وقت آن رسیده است که با نگاه دوباره در اهداف و جهت‌های برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، تولید فرآورده‌های هنری و تألیف منابع آموزشی و تربیتی، رویکردهای پرورشی و بالاخره فراهم نمودن بستر خلاقیت‌های ذهنی و شکوفایی شخصیت و احساس خودارزشمندی و بالندگی جوانان مان تجدیدنظر نماییم.

توجه به برنامه‌های آموزشی- فرهنگی خانواده محور از مهمترین رسالت‌های کارگزاران فرهنگی کشور است. همراه با تدوین و اجرای مستمر برنامه‌های هدفمند در تقویت و استحکام نظام خانواده، اعتباربخشی عملی به نقش فرهنگی و تربیتی معلمان، به ویژه معلمان ابتدایی و اندیشه دوباره در تولید برنامه‌های هدفمند و بلندمدت صوتی و تصویر بالاخص در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت احساس خودارزشمندی و هویت دینی و ملی جوانان از حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین امور در شرایط حاضر است.

□ خانواده به مثابه نهاد فطری بشر و اصلی‌ترین رکن جامعه، بیشترین حمایت و پاسداری را می‌طلبد، خانواده قوی‌ترین سنگر در برابر هجوم‌ها و آسیب‌های فرهنگی است. ایجاد مصونیت فرهنگی در کانون خانواده و تقویت استحکام نظام خانواده اصلی‌ترین وظیفه کارگزاران بصیر در هر جامعه‌ای است.



بی‌نوشته

۱- واقع این است که در دنیای امروز رشته‌های تحصیلی ریاضی- فیزیک، تجربی، علوم انسانی و... در مقطع دبیرستان نمی‌تواند توجیه منطقی و علمی داشته باشد. چرا که این نوع گرایش‌ها مربوط به حدود ۷۰ سال پیش است که دیپلم نمایانگر دانش پایه و یا نسبتاً تخصصی بود!!
امروزه که تحصیلات لیسانس در غالب کشورها به عنوان دانش پایه محسوب می‌گردد، دیگر رشته بندی در دبیرستان چه معنایی دارد!! همه جوانان باید از دانش معینی از علوم و فنون روز در دبیرستان بهره‌مند شوند و یک دیپلم عمومی می‌تواند معقول تر باشد. بدیهی است برنامه‌های دانشگاهی می‌تواند بر پایه دانش پایه نخستین (دیپلم) استوار گردد.

۲- در پیش دانشگاهی نیز توجه به تولید علم باید در اولویت قرار گیرد. و اندیشه تولید علم قربانی کنکورگری سراسری و دانش افزایی عمومی و ملرک پردازی همگانی نگردد!

منابع

- آیت‌الله مکارم شیرازی، ترجمه قرآن کریم،

انتشارات دارالقرآن کریم قم، ۱۳۷۵.

- افروز، غلامعلی روان شناسی خانواده،

انتشارات اولیاء و مربیان، ۱۳۸۲.

- افروز، غلامعلی، هدف‌ها و روش‌ها در

تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه دانشکده روان شناسی

و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- افروز، غلامعلی روش‌های پرورش احساس

مذهبی، انتشارات اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴.

- بهکیش، محمد مهدی، اقتصاد ایران در بستر

جهانی شدن، نشرنی، تهران، ۱۳۸۱.

- کاستلز، م، مترجم پایا علی، عصر

اطلاعات، انتشارات طرح نو، ۱۹۹۱.

- گرفمن، ک. مترجم، فرزین، محمدرضا،

مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی، انتشارات

سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸.

- رسولی محلاتی، سید هاشم، غرالحکم،

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

- مصطفی، سید جواد، ترجمه اصول کافی،

تألیف کلینی، انتشارات فرهنگ اهل بیت

علیهم السلام، تهران، ۱۳۴۸.

- Giddens, A (1999) The Third way, Cambridge, Polity Press.

- Held, D (1999) Global transformation, Politics, Economics and Culture, Cambridge, Polity press.

- Lambert, D (2001) Citizenship Through Secondary Geography, Routledge Falmer, London.

- Little, A. W. (1999) Globalisation, Qualifications and Livelihoods, Special Issue of Assessment in Education 7,3.

- Robertson R. (1992) Globalization: Social Theory and Global Culture, London: Sage.

- Unesco (2005) Statistical Year book.

- United Nations (1995) world population Prospects, N.Y.

- Yoshino, K (1999) Cultural Nationalism in Contemporary Japan, London; Routledge.

- Waters, M. (1995) Globalisation, London and New York: Routledge.